

نویسنده : کرسٹوفر کولاند (Christopher Kolende)

منبع و تاریخ نشر: دهیل (The Hill) «201-04-15» .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

افغانستان در معرض خطر تبدیل شدن به ویتنام جدید

Afghanistan is at risk of becoming the New Vietnam

انفجاریکی از بزرگترین و عظیمترین از واحد بمب رهبری شده (GBU43/B) از مهمات انفجاری هوایی را که بنام بمب ما دری (MOAB) یاد میشود و بروز پنجشنبه در این جنگ در افغانستان توسط نیروهای نظامی امریکا پرتاب شد را میتوان یادی از یورش همچو نت (Tet) نمود که حسب تقویم سال قمری در چند روز اول جشن سال نو ویتنام (نت سال نو ویتنام) زیر نام یک موفقیت نظامی تکتیکی که در اصل یک نماد وصفی که برای امریکا توام با ناامیدی و اشتباه بود بکار برده شد .

بعد از تفسیر تند و تلخ از (Tet) که توسط خبرنگار مشهور (CBS) کرانکایت (Cronkite's) صورت گرفت این یورش نت امریکایی هارا به نسبت ورشکستگی ستراتیژیکی شان در جنگ ویتنام از خواب بیدار ساخت؛ لہذا امید است که این «بم ما دری» نیز همچو نماد باید همین کار را برای مردم افغانستان نیز انجام دهد که خوشبختانه زمان هنوز هم برای این کار وجود دارد.

معلومات فشرده به ارتباط نت «Tet»: در «31» جنوری سال «1968» برخی از (70000) نیروهای ویتنام شمالی و ویت کانگ ها یورش نت (نام برای تعطیلات سال قمری بنام نت) سلسله هماهنگ از حملات شدید را در بیش از «100» شهرستانها و شهرهای کوچک در ویتنام جنوبی برآوردند؛ جنرال اونیگیون جیاف (Gen. Vo Nguyen Giap) رهبر ارتش خلق کمونیست ویتنام (PAVN) یورش را به شهرستانها و شهرهای کوچک ویتنام جنوبی چنان پلان نموده بود که تحرک را در میان مردم ویتنام جنوبی بوجود آورد و ایالات متحده امریکا را واداشت که عملیات های خود را متوقف سازد و بدینگونه از مردم سیگون طرح حمایتی خود را پیاده کرد گرچه ایالات متحده امریکا و نیروهای ویتنام جنوبی تحت فرمان امریکا جلوی این یورش هارا تا حدی گرفت - اما پوشش خبری این حمله (از جمله نبرد طولانی از شکل و نما) شوکه ای بود که مردم عام امریکا را واداشت تا به حمایت خود از کاهش جنگ در ویتنام بپردازند و دیگر از این جنگ فاسد که تلفات هنگفت را نیز با خود دارد آن را تایید و پیشتیبایی نه نمایند لذا با وجود تلفات سنگینی که مردم ویتنام شمالی متحمل شدند باز هم یک پیروزی ستراتیژیک را در یورش «نت» بدست آوردند که باعث خروج درناک امریکا از ویتنام گردید..... توضیح توسط این قلم از یک سایت در انترنیت

تبلیغات :

فرمانده فوق العاده و با استعداد امریکایی در افغانستان جنرال جان میک نیکلسون

(Gen. John Mick Nicholson) با اطمینان خاطر از به هدف خوردن درست و بجای این بمب پرتاب شده یاد آوری کرد و گفت که این بمب در اولسوالی اچین مربوط ولایت ننگرهار در دیپو ها و تونل های مملو از تمام مهمات جنگی که دولت اسلامی خراسان (مربوط به «ISIS» در افغانستان) در آنجا تمام مهمات جنگی خود را از نظارت امریکایی ها پنهان کرده بود تونل های که از مهمات آن در هنگام عملیات های خود استفاده میکردند و برای خود شان نیز جای امن و پناه گاه مصون بود از بین رفت- کارشناسان نظامی حسب قانون جنگ مسلحانه و مشکلات ناشی از آن را به حیث یک هدف مورد تحلیل و تجزیه قرار داده و چنین حکم و افاده میدارند که پرتاب این بمب ما دری به حیث یک الترناتیف در واقع یک حمله و بیورش زمینی بود ؛ چونکه با از بین رفتن این دیپوها با همه ذخایر مهمات جنگی برای داعش یک شکست و یک عقب گرد بزرگ میتواند تلقی شود شکستی که احتمال بازگشت به بهبودی از آن غیر ممکن پنداشته میشود.

من از مدت ده سال به اینطرف جنرال جان میک نیکلسون را از نزدیک می شناسم که مثل او دیگر هیچ یک مقام ارشد امریکایی با تجربه تر دیگر در این کشور نبوده ؛ لذا او باید با داشتن همچو تجربه با دقت همه جانبه از پرتاب این بمب چنان استفاده را می برد که در مطابقت با یک تصمیمگیری نظامی و عاری از هرگونه اصطکاک میبود.



گیتی ایمیج (getty images)

واکنش ها از ملاحظه توئیتر افغان ها قطبی شدن آنها را به نسبت پرتاب این بمب مادری نشان میدهند آن عده از افغانها که طرفدار دولت افغانستان اند پرتاب این بمب را بر مواضع گروه داعش از اینکه در آن تلفات ملکی صورت نگرفته است تایید و تمجید مینمایند ؛ اما منتقدان پرتاب این بمب مادری را به موقف خود و کشور خود توهین و به سنن و فرهنگ

خود هتک حرمت تلقی میکنند از اینکه امریکایی ها خاک افغان را بغرض آزمایش بمب ها و سلاح های مهیب خود مورد استفاده قرار میدهند - حامد کرزی رییس جمهور سابق افغانستان که به حمایت امریکایی ها بعد از طالبان زمام امور را بدست گرفت در تویتر خود این حمله و پرتاب بمب ما دری را مورد نکوهش و انتقاد قرار داد و از تمام افغانها خواست تا هر چه زود تر جلوه‌های عملیاتی امریکاییها را در افغانستان بگیرند. و طالبان نیز با وجودیکه از دولت خراسان (داعش در افغانستان) کم و بیش تنفر دارند پرتاب این بمب مادری را تقبیح کرده و بر ناتوانی و کمزوری دولت افغانستان مهر تایید گذاشتند.

با پرتاب این بمب مادری همچو پاسخها و واکنشها از طرف افغانها بطور کامل قابل پیش بینی بود و هرگونه تلاش برای محدود کردن عواقب ناشی از پرتاب این بمب مادری بصورت بالقوه بی اثر به نظر میرسد؛ اما آنچه که درین مورد ایالات متحده امریکا و دولت افغانستان میتوانند انجام دهند تجزیه و تحلیل وضع پس از پرتاب این بمب مادری بود که به چه شکل و یا به نحو از آنجا پرتاب این بمب را در اذهان مردم توجیه می کردند که باعث نارامی اجتماعی نمیگردید حالانکه پرتاب این بمب اجتماع را بیشتر ناراض ساخت یعنی اجتماعی افغانی از دولت بیبیشتر ناراض شدند از دولتی که همین اکنون سطح بیکاری (50) درصد بوده؛ بحران پناهندگان در بالاترین سطح خود قرار دارد؛ تنش با پاکستان با گذشت هر روز بیشتر میگردد و طالبان به سپری شدن هر روز مناطق بیشتر کشور را در تحت تصرف خود قرار میدهند که این همه نابسامانیها توأم با واکنشهای ناشی از پرتاب این بمب ما دری غیر ممکن نیست که منجر به یک فاجعه نشود چنانچه من در سال (2015) به ارتباط جلوگیری از وقوع فاجعه در این کشور مقاله ای مفصلی را بدست نشر سپرده بودم که مسولین امور باید در برخوردهای خود با مردم احساس مسولیت نمایند.

واقعیت امر اینست که هیچ یک از مقامهای بلند بالای امریکا در کابل بر تمام طیف وسیع اعم از سیاسی، نظامی، و عملیات های نظامی امریکایی، دیپلوما تیک، اقتصادی و اطلاعاتی نظارت کامل ندارد و هر نهاد و سازمان مصروف بیروکراسی مستقل خودش است آنچه که پیوسته و مداوم در جنگ در روند تجارت و یا در درون دولت اتفاق می افتد یعنی چنان عملکردهای فوق العاده ضعیف و بی بنیاد که حتی امکان وقوع فاجعه هولناک آن در هر لحظه ای از زمان قابل پیش بینی میباشند.

تنها کسیکه با داشتن اختیار و اتوریته تام و احساس مسولیت میتواند تمام طیف وسیعی از تلاش های کارکنان ایالات متحده امریکا را در افغانستان مدیریت نماید آنکس رییس جمهور دونالد ترامپ است؛ همچنان او آن کسی است که میتواند از درگیریها و مخالفتها در عراق، سوریه، یمن و سومالی بکاهد و نه آنکه در پی دعوت به جنگ مداوم در کره شمالی، ایران و روسیه و چین باشد - باید اذعان کرد که وجود همین وضعیت پوچ

دلیلی است که «بزرگترین ارتش جهان» نمیتواند از راه جنگ موفقیت را از آن خود کند این وضع خود سوال چرا ار بوجود می آورد که چرا با وجود این همه کارهای انجام شده وبا وجود این همه مصارف هنگفت مالی باز هم موفقیت ستراتیژیک هرگز تا حال قابل دسترس نیست .

ریس جمهور ایالات متحده امریکا دونالد ترومپ چگونه میتواند افغانستان را ناشی از پرتاب بمب مادری مانع از تیدیل شدن به تت (Tet) افغانستان نماید؟
نخست: قبل از همه او نیاز دارد تا برای مدیریت و پیشبرد طیف گسترده ای از وظایف و بکار انداختن تلاش های پیگیر بغرض نیل به هدف؛ یک کسی را بکار برگمارد که از عهده این همه کارها بخوبی بدر شده بتواند چونکه سفیر ایالات متحده امریکا در کابل توان مدیریت این همه مسولیت ها را همین اکنون ندارد و تا هنوز در مقامات ارشد کلیدی بخصوص در امور خارجه و دفاع کسی مامور نشده است اما از آنجا یکه جنرال جان میک نیکلسون در افغانستان است و او دارای تجربه وسیع است و با همه موارد و قضا یا ارتباط و آشنایی کامل دارد کسی است که باشجاعت فکری میتواند امور را در کابل در تحت نظر خود گیرد . که با در نظر داشت همین اصل او باید از طرف ریس جمهور امریکا بخاطر مدیریت بهتر این کارها گماریده شود .

دوم: آقای ریس جمهور دونالد ترومپ نیاز به یک کسی دارد که او بصورت واقع بینانه دسترسی کامل به سیاست موجود افغانستان داشته باشد یعنی به اصطلاح افغان شناس باشد تا جایکه به نظر من این کس میتواند جنرال جان میک نیکلسون باشد اگر او را با تیم که با او مدغم اند فرصت دهند تا به ستراتیژی که در سال (2010) توسط اداره بارک اوباما تدوین یافته بود که باید نیروهای نظامی امریکا از افغانستان فراخوانده شود پلانی که دستخوش طوفان گردید پلان ستراتیژی جدیدی را تدوین نماید. لذا مشاور امنیت ملی ایالات متحده امریکا جنرال (H.R. McMaster) نیاز به بازنگری سیاست ها آنطوریکه جنرال جان میک نیکلسون و تیم مدغم با او از این سیاست ها میدانند بگذارد تا به تدوین یک ستراتیژی شایسته و با ارزش دست بکار شوند.

لذا نیاز آن دیده نمیشود که واکنش ها ناشی از پرتاب این بمب مادری به یک نماد از شکست تبدیل شود و امریکایی ها باید این ضرورت را درک نمایند که به ارتباط واکنش ها مردم ناشی از پرتاب این بمب مادری به سوالات مردم گوش فرا دهند و از خود بپرسند که «در جهنم چه در جریان است» و خواست دولت ترومپ بخاطر ایجاد و به تحرک آوردن و یا پیاده کردن اهداف واقع بینانه مستلزم تدوین یک ستراتیژی معتبر و کاری است که بتواند از این جنگ مدیریت بهتر نماید البته با یک شرط بندی با ارزش و همه جانبه .

در مورد نویسنده: کرس توفر کولاند عضو ارشد سیاست جهانی و مقاله نویس برای نهاد

سیاست جهانی و منتقد مسایل پیرامون افغانستان میباشد که همین اکنون در مرکز امنیت جدید امریکا مامور دولت است .

تبصره توسط این قلم: این نویسنده با نوشته این مقاله برای خواننده این اندیشه را میدهد که او یک نویسنده ریالست نیست به اصطلاح عوام هم در میخ میزند و هم در نعل و برای جنرال جان میک نکلسون بدون کدام حیا و شرم تبلیغات مینماید.

----- **با تقدیم سلام ها « 2017-04-17 »**